



خلاصه پالیسی

## افغانستان پس از ۲۰۲۱ م تهاجم بر آرزوها و جاه طلبی منطقه‌ای چین و یا چالش‌های امنیتی؟

این خلاصه راهکار، به بررسی تعامل چین با افغانستان پس از خروج نظامی امریکا از افغانستان می‌پردازد. این مقاله به طور فشرده بیان می‌کند که افزایش عدم اطمینان در مورد ماهیت خروج نظامی امریکا و تغییر در سیاست آن کشور چگونه بر اهداف اقتصادی و امنیتی کشور چین به سطح ملی و منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. هم چین و هم اتحادیه‌ی اروپا تلاش‌های خود را برای حمایت از روند صلح در داخل افغانستان افزایش داده‌اند. بعد از سال ۲۰۲۱ م، کدام شرایط برای انکشاف، توسعه و همکاری‌های امنیتی در کابل، بیجنگ و پایتخت‌های اروپا پیش‌بینی شده است؟ انتظارات چین از شرکای بین‌المللی افغانستان و نگرانی این شرکا در مورد اهداف چین چیست؟ در کدام ساحات هماهنگی سه‌جانبه برای دستیابی به اهداف مشترک بسیار حیاتی و موفقیت‌آمیز است؟

چین و افغانستان در سال ۱۹۶۰ م معاهده دوستی و متقابل و عدم تعرض را امضاء کردند. و روابط دوران جنگ سرد را با محوریت تعامل اقتصادی ترسیم کردند. از آن زمان به بعد، جاه طلبی و آرزوهای کشور چین در افغانستان همچنان در حوزه اقتصادی ثابت مانده است. زیرا ابرقدرت در حال رشد، مشارکت و تعامل کشور چین را در امور سیاسی و امنیتی افغانستان محدود کرده است. در سال ۲۰۰۶ م، هر دو کشور معاهده ۱۹۶۰ خود را بر اساس اصول "حسن همجواری" تصریح کردند که در آن چین، افغانستان و همسایگان خود را برای حمایت از ثبات در منطقه دخیل می‌سازد. بطور گسترده، چین برای تضمین امنیت و منافع اقتصادی خود در افغانستان، به پاکستان که از دهه ۱۹۶۰ نزدیکترین و مهمترین متحد منطقه‌ای آن کشور در جنوب آسیا است، متوصل گردیده است. اما از زمانی که احتمال کاهش نظامی امریکا در سال ۲۰۱۴ م و احتمال ایجاد خلاء امنیتی به میان آمد، به نظر می‌رسد بیجنگ به طور فزاینده‌ای افغانستان را به عنوان اولویت در مرزهای غربی خود محسوب کند. اگر امریکا و ناتو بطور کامل از افغانستان خارج شوند، در این وضعیت، چین شاید به دنبال این باشد تا افغانستان را در ساحه اقتصادی خود نزدیک تر بسازد، زیرا سال‌ها در مورد آوردن این کشور تحت طرح کمربند و جاده‌ی که پروژه چند میلیارد دلاری است صحبت کرده است.

چین و روابط نزدیک چین با پاکستان به احتمال زیاد فضای سیاسی منطقه را به نفع چین تغییر شکل می‌دهد، تا حدی این پیش‌بینی دشوار است که آیا ایالات متحده امریکا و شرکای غربی آن از افغانستان جدا خواهد شوند. این پروژه‌های بزرگ می‌تواند به بیجنگ قدرت نفوذ لازم را بدهد برای مجبور کردن دیگران، از جمله افغانستان برای کمک به مهار یا حتی از بین بردن تهدیدهای احتمالی امنیت و ثبات اش. شایان ذکر است که پاکستان و طالبان که چین بر آنها نفوذ دارد، اقدامات قابل ملاحظه‌ای علیه گروه‌هایی که چین آنها را تهدید محسوب می‌کند انجام نداده‌اند. این جای پرسش را باز می‌گذارد که آیا بیجنگ موضوع را با آنها جدی مورد بحث قرار داده است و تا چه حد می‌تواند موثر باشد.

## افزایش قدرت نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک چین

چین دارای قدرت نفوذ اقتصادی و دیپلماتیک قابل توجهی بر افغانستان و منطقه است، اما هنوز قسمت کوچک آنرا برای اهداف سیاسی فوری در کابل اعمال کرده است. در عوض، بیجنگ خود را به عنوان ابرقدرت اقتصادی در حال ظهور در آسیای جنوبی و مرکزی معرفی کرده است، اما تا زمانی که ایالات متحده امریکا

۱ پروژه "از عدم قطعیت تا استراتژی: احتمالات سناریوهای برد-برد آینده در منطقه افغانستان چیست؟" این یک تلاش مستقل بنیاد فریدریش ایبرت است، تا پیرامون سناریوهای احتمالی برای همسایه گان افغانستان، تعدیل پالیسی‌ها و نیازمندی به یک استراتژی جامع در بین پالیسی‌سازان خارجی اروپا، بحث صورت گیرد. این خلاصه پالیسی بخشی از یک پالیسی است که توسط اندریو وانکیز و دکتر تیمور شاران تألیف شده است، تا درباره پیامدهای خروج امریکا و مذاکرات صلح افغانستان با ازارهای پالیسی موجود، منافع استراتژیک و چالش‌های شریکان اصلی در داخل و خارج افغانستان، بحث صورت گیرد. لیست کاملی از این خلاصه پالیسی‌ها را می‌توانید، در آدرس ذیل به دسترس داشته باشید. <https://afghanistan.fes.de/publications>

۲ مریم صافی و بسم الله علی‌زاده، ۲۰۲۰ م، "الحاق افغانستان در برنامه ابتکار عمل یک کمربند - یک راه: مرور، تحلیل و چشم اندازها" بنیاد فریدریش ایبرت، اگست ۲۰۱۸ م.

۳ علم صالح و ذکیه بزندان‌سناس، ۲۰۲۰ م، "پیمان ایران با چین خبر بدی برای غرب است"، سیاست خارجی، ۹ اگست ۲۰۲۰ م.

## نگرانی‌های امنیتی بیجینگ و موقف آن در مورد صلح افغانستان

اگر تلاش‌های غرب در مورد ثبات افغانستان در سال ۲۰۲۱ م پایان یابد، رویکرد چین بیش از هر چیز با نگرانی در مورد تهدیدهای امنیتی ناشی از افغانستان، از جمله تروریزم فراملی و افراط‌گرایی مذهبی خشن هدایت خواهد شد. هدفمندترین ترس بیجینگ تهدیدهایی است<sup>۴</sup> که ممکن است در شمال غربی استان شینکیانگ آن ناآرامی را تحریک کند؛ به طور خاص، علاقه زیادی نشان می‌دهد به پیگیری حضور و فعالیت جهادگران قومی اویغور، جمعیتی کوچک اما مشخص از جنگجویان خارجی به میزبانی طالبان<sup>۵</sup>.

در حالت ایده آل، برای بیجینگ، یک منطقه حایل با ثبات می‌تواند اطمینان حاصل کند که گروه‌هایی مانند جنبش استقلال ترکستان شرقی (ETIM) از خاک افغانستان و کشورهای آسیای میانه به عنوان "مواضع رو به جلو" برای نفوذ و آغاز فعالیت‌های جدایی طلبی در شینکیانگ استفاده نمی‌کنند<sup>۶</sup>. در یک نتیجه بدترین وضعیت مبنی بر شکست روند صلح و خروج عجلانه نظامی ایالات متحده آمریکا و غرب - فروپاشی دولت و جنگ داخلی متعاقب آن - می‌تواند افغانستان را بار دیگر به پناه‌گاه سازمان‌های تروریستی بین‌المللی تبدیل کند و خطر بی‌قانونی در مرزهای کشور می‌تواند کشورهای همسایه را به خطر بیندازد - از جمله غرب ناآرام چین را. به نظر می‌رسد بیجینگ احتمال وقوع چنین وضعیتی منفی

را برای مدتی طولانی پیش‌بینی کرده است؛ این طرح از اوایل سال ۲۰۱۳ م با استفاده از کمک‌های امنیتی شروع شد، هرچند در مقیاس بسیار کوچک و از طریق ابتکاراتی که عمدتاً نتوانستند تحقق یابند. تا سال ۲۰۱۹ م، گزارش‌ها حاکی از آن بود که ارتش چین یک پایگاه نظامی در منتهی به دامنه غرب سرزمین خود ایجاد کرده است که کوه‌های مجاور تاجیکستان، افغانستان و مرزهای خودش را احتوا می‌کند<sup>۷</sup>. چنین حرکاتی هر دو بی سابقه است، اما کاملاً منفعلانه و کاملاً دفاعی باقی مانده، خصوصاً در مقایسه با تعامل سایر کشورهای همسایه افغانستان.

موضع عمومی بیجینگ در مورد روند صلح جاری در افغانستان به طرز ماهرانه‌ای از تلاش‌های تحت رهبری ایالات متحده آمریکا حمایت می‌کند. مطابق با پاکستان، چین بشکل غیر آشکار به تعدادی از کشورهای اروپایی، سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی نیپوست تا طالبان را برای آتش بس فوری تحت فشار قرار دهد. چین تا حدی مسائل آتش بس را مطرح کرده است، خروج "منظم" و "مسئولانه" از افغانستان را ترجیح می‌دهد، ناتو و ایالات متحده آمریکا را در مورد خروج عجلانه هشدار داده است. همچنین نگرانی خویش را در مورد رویکرد ایالات متحده آمریکا در روند مذاکرات صلح افغانستان در مورد نادیده گرفتن آن کشور از بُعد رسمی‌تر منطقه‌ای ابراز کرده است. در حال حاضر، چین حتی ممکن است به حضور نیروهای ضد تروریزم ایالات متحده آمریکا در افغانستان نگاه مطلوبی داشته باشد.



گذرگاه خنجر، گذرگاه مرزی بین چین و پاکستان. تجارت مرزها در اینجا طی سالهای گذشته به عنوان بخشی از CPEC افزایش یافته است. (منبع: عبدالله شکور، ۲۰۲۱)

۴ برای بحث قبلی در مورد سیاست داخلی چین در قبال افغانستان، به مقاله AAN در مورد چین مراجعه کنید. Afghanistan Analysts Network - English. Climbing on China's Priority List: Views on Afghanistan from Beijing - Afghanistan Analysts Network - English. ۵ به بخش F مراجعه کنید. برینلی بروتن و تانی برون، "ایالات متحده شبه نظامیان چینی اویغور و همچنان جنگجویان طالبان را در افغانستان هدف قرار می‌دهد"، خبرگزاری ان بی سی، ۸ فروری ۲۰۱۸ م (afghanistan-analysts.org). ۶ پاول استرانسکی و نیکولی ان جی، "همکاری و رقابت: روسیه و چین در آسیای مرکزی، خاور دور روسیه، و قطب شمال"، کارنگی موهیت صلح بین‌المللی، ۲۸ فروری ۲۰۱۸ م. همچنان رجوع شود به مقاله CICIR. ۷ به گری شیخ، در ارتفاعات ممنوع آسیای میانه، تازه وارد آرام: نظامیان چینی، مراجعه کنید. واشنگتن پست، ۱۸ فروری ۲۰۱۹ م.

بنظر می‌رسد که این کشور مانند بسیاری از قدرت‌های دیگر منطقه‌ای تلاش کرده است، تا گفت‌گویی فزاینده‌ای را با دفتر سیاسی طالبان برقرار کند. این کشور روابط خویش را سال‌ها قبل با گروه شورشی آغاز کرده بود، اما از زمانی که ایالات متحده آمریکا طالبان را در مذاکرات به سطح بالا درگیر کرده است، این روابط با کشور چین بازتر شده است. موضع آن کشور در قبال روند صلح افغانستان بطور موثر منعکس کننده ارزیابی راهبردی است که بیجینگ در هنگام خروج نظامی ایالات متحده آمریکا و ناتو در سال ۲۰۱۴ م انجام داده بود که این بررسی احتمال بالقوه تسلط طالبان و یا بی‌نظمی سیاسی را محتمل می‌دانست.<sup>۸</sup>

موضع چین در افغانستان با توجه به تأکید بر تجارت، اتصال منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری بلند مدت و مبارزه با تروریسم، با توجه به وقایع فعلی و حتی تلاش‌های ایالات متحده آمریکا برای خروج مرکب از منطقه، به هیچ وجه دچار نوسانات چشمگیری نشده است. برعلاوه، تعامل چین با افغانستان تحت تأثیر تنش‌های آینده در روابط ایالات متحده آمریکا و چین به طور جدی قرار نخواهد گرفت، حتی اگر این روابط بدتر شود. در حالی که پتانسیل همکاری دشوار گردیده است، هر دو کشور چین و ایالات متحده آمریکا از آوردن درگیری افغانستان در کشمکش رقابت و سایر موضوعات بحث برانگیز در سایر نقاط آسیا خودداری کرده‌اند.<sup>۹</sup>

تعامل اخیر چین با محدودیت و انتظارات تحقق نیافته توسط برخی از رهبران سیاسی افغانستان تعریف شده است، امیدواری مبنی بر این است که چین بتواند تنوع وابستگی کابل به حمایت خارجی را ایجاد کند و حتی ممکن است بر پاکستان تأثیر مثبت بگذارد.<sup>۱۰</sup> اما دامنه دیپلماتیک چین در منطقه در حال گسترش است و به نظر می‌رسد در آینده نزدیک چین قاطعیت بیشتری داشته باشد. در یک اشاره کوچک از آنچه که ممکن است چین انجام دهد، چین در چند سال گذشته شروع به بازی سخت دیپلماتیک با ایالات متحده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل کرده است که از آن جمله می‌توان تمديد سالانه مأموریت سازمان ملل را در افغانستان یاد کرد.<sup>۱۱</sup>

همزمان با خروج نظامی ایالات متحده آمریکا - با توجه به هر جدول زمانی که ممکن است - احتمالاً مقدار زیادی از بودجه و حمایت غرب از افغانستان نیز کاهش می‌یابد، کابل مجبور است روابط خود را با چین از بالا به پایین بررسی کند، به ویژه با توجه به نزدیکی چین-ایران و چین-پاکستان. این روابط احتمالاً نشانگر این است که چین در صورت ایجاد خلا سیاسی، اقتصادی یا امنیتی در آینده از کدام بازیگران و موقعیت‌های منطقه‌ای حمایت خواهد کرد.<sup>۱۲</sup> رویکرد "عدم مداخله" چین، وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری در سراسر جهان می‌شود نشان می‌دهد که تعامل در افغانستان تا حد زیادی به سوابق تاریخی حمایت از پاکستان<sup>۱۳</sup> و سایر شرکای منطقه‌ای برمی‌گردد و ربط دارد.

## کار کردن با هم بر اساس همگرایی منافع

اتحادیه اروپا و چین هر دو انگیزه‌های اقتصادی برای ارتقا و ترویج تجارت و اتصال منطقه‌ای دارند. اگرچه افغانستان هنوز در فهرست شرکت کنندگان در ابتکار کمربند و جاده قرار نگرفته است، اما مقامات چینی متذکر شده‌اند که احتمال قوی وجود دارد تا با گسترش دهلیز اقتصادی چین و پاکستان بتوانند افغانستان را هم شامل این فهرست کنند.<sup>۱۴</sup>

به نظر می‌رسد که در حال حاضر گنجاندن افغانستان در BRI اتفاق بیفتد. به نظر می‌رسد شخصیت‌های سیاسی افغانستان به ویژه در صورت دستیابی به توافق صلح و نفوذ تازه پاکستان در کابل علاقه‌مند هستند. مسیر BRI همچنین می‌تواند چین را به اروپا متصل کند، زمان و هزینه حمل و نقل را کاهش دهد و مزیت جغرافیایی روسیه را در انتقالات برخی کالاها به چالش بکشد. بیجینگ پیش از این، خط راه آهن تاجیکستان - افغانستان - ترکمنستان را راه اندازی کرده است. افغانستان به عنوان راه زمینی به قریزستان و ازبکستان، چندین مسیر تجاری را نیز فراهم می‌کند.

انتظار می‌رود چین از طریق پروژه‌های بزرگ زیربنایی، و همچنین بودجه ناچیز و پشتیبانی لجستیکی، به کمک به افغانستان ادامه دهد. در صورت خروج ناتو، موسسات مالی تحت هدایت چین مانند بانک سرمایه‌گذاری زیربنای آسیا احتمالاً نقش فعال‌تری داشته باشند - زیرا کاهش احتمالی حمایت مالی موسسات مورد حمایت غرب، فضای گسترش نفوذ را در اختیار چین قرار خواهد داد. چنین تلاش‌ها می‌تواند تکمیل کننده‌های برنامه‌های اتصال اتحادیه اروپا در سراسر آسیای میانه باشد و یا اینکه تحت الشعاع قرار دهد، مانند تعهد ۷۰ میلیون یورویی بانک سرمایه‌گذاری اروپا به پروژه انتقال و تجارت برق آسیای مرکزی و جنوبی (CASA-1000)، که امکان انتقال برق را میان قریزستان، تاجیکستان همراه با افغانستان و پاکستان را فراهم می‌کند.<sup>۱۵</sup>

اتحادیه‌ی اروپا و چین خواهان دیدن یک افغانستان با ثبات هستند و از بدترین وضعیت که افغانستان درگیر جنگ داخلی شود و به پناه‌گاهی امن برای تروریسم بین‌المللی تبدیل شود اجتناب می‌کنند.

اتحادیه‌ی اروپا ممکن است نفوذ بیشتری نسبت به دولت فعلی ایالات متحده آمریکا برای نزدیک شدن به چین داشته باشد و از چین بخواهد تا بر پاکستان تأثیر بگذارد تا رهبری طالبان را برای پذیرش سازش‌های اساسی در روند صلح افغانستان تحت فشار قرار دهد. چین تماس مستقیم با طالبان داشته و روابط دیپلماتیک علنی خود را برای چندین سال حفظ کرده است، اما به نظر می‌رسد این امر با مشورت با اسلام آباد صورت گرفته است - در راستای رعایت منافع پاکستان در منطقه. این که آیا اتحادیه‌ی اروپا موفق خواهد بود در فشار وارد کردن غیر مستقیم بر پاکستان از طریق چین نسبت به فشار مستقیم ایالات متحده آمریکا بر پاکستان که باید معلوم شود. تنش و اختلاف‌هایی که بین اروپا و چین در یک معامله تجاری منعقد شده در دسامبر سال ۲۰۲۰ م بوجود آمد این فرصت را به حداقل می‌رساند.

۸ سی یان سن، "ارزیابی راهبردی چین از افغانستان"، جنگ در وب سایت راک، ۸ اپریل ۲۰۲۰ م.

۹ گروه مطالعات ارشد موسسه صلح ایالات متحده چین و جنوب آسیا، "نفوذ چین بر پویایی دیگری در جنوب آسیا"، دسامبر ۲۰۲۰ م.

۱۰ به وندا فلاح-برون، آبی آر آئی (بسیار دور) مراجعه کنید: قول محقق نشده و محدودیت‌های درگیر شدن چین در افغانستان، "انسیتیوت بروکینگز"، جون ۲۰۲۰ م.

۱۱ طی چندین سال گذشته، هیئت چینی در شورای امنیت سازمان ملل تلاش کرده است زبان صریح مورد تأیید ابتکار کمربند و جاده خود را در تجدید سالانه مأموریت سازمان ملل در افغانستان به کار گیرد. رجوع شود به مایکل نیکولز، شورای امنیت سازمان ملل متحد بر تهدید وتو چین برای تجدید مأموریت افغانستان غلبه می‌کند، "رویترز"، ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۹ م.

۱۲ به گفته تعدادی از کارشناسان آمریکایی، رویکرد چین به موضوعات منطقه‌ای در حال حاضر در حمایت از منافع شرکای محلی، به ویژه پاکستان همسو است. Ibid.

۱۳ جیسن لی، "میانجیگری درگیری با خصوصیات چینی: چگونه چین سیاست عدم تداخل خود را توجیه می‌کند"، مرکز استیمسون، ۲۷ اگست ۲۰۱۹.

۱۴ مریم صافی و بسم الله علیزاده، ۲۰۲۰، "الحاق افغانستان در برنامه‌ی ابتکار عمل کمربند و جاده: مرور، تحلیل و چشم اندازها"، بنیاد فریدریش ایبرت، اگست ۲۰۱۸.

## پیشنهادات

- اتحادیه‌ی اروپا و چین باید در استفاده از قدرت دعوت خود و روابط مثبت با پاکستان نقش فعال‌تری را بازی کنند تا رویکرد طالبان را به روند صلح تحت تأثیر قرار دهند و اگر آتش بس کامل ممکن نیست، بلافاصله طالبان را متعهد به کاهش خشونت بسازند. علاوه بر این، آنها باید اسلام آباد را متقاعد کنند تا پناه‌گاه های طالبان را در خاک خود ببندد.
- هر دو اتحادیه‌ی اروپا و چین باید امکان همکاری در مورد یک شیوه جدید رسمی و فراگیر منطقه‌ای را جستجو کنند، از جمله، ایران و هند که وجود آنها در هر جلسه منطقه‌ای بسیار مهم است، علی‌رغم تنش‌های اخیر بین چین و هند. این مجمع می‌تواند در کوتاه مدت بر روند صلح در حال جریان و ثبات در افغانستان تمرکز کند و در صورت لزوم، این رکورد می‌تواند به همکاری‌های اقتصادی و امنیتی بلند مدت انتقال کند.
- اتحادیه اروپا و چین باید به طور مشترک تلاش‌های اعتماد سازی را بین افغانستان و پاکستان از طریق حل اختلافات طولانی مدت بین دو کشور، از جمله اختلافات مرزی، اختلافات تجاری، و بازگشت و مدیریت مهاجران افغان تسهیل کنند.
- اتحادیه‌ی اروپا باید از چینل‌های دیپلماتیک موجود خود با سیاست‌گذاران چینی استفاده کند، تا از یک رویکرد توسعه و ثبات پایدار و جامع در افغانستان فراتر از اهداف محدود ضد تروریستی و اقتصادی حمایت کند.
- هرگونه گسترش هماهنگی اتحادیه‌ی اروپا و چین در زمینه‌ی توسعه و انکشاف در افغانستان نیازمند پیمایش اختلافات فاحش بین دو موضع سیاست خارجی آنها در زمینه حقوق بشر است. با این حال، این امر موانع تعمیق همکاری این دو کشور در جاهای دیگر نشده است که مثال واضح آن همکاری شان در اواخر سال ۲۰۲۰ می‌باشد. خلاقیت و استفاده از "تحرک موجود" دیپلماتیک می‌تواند منجر به تبادل مثمر ثمر شود، شاید حتی بحث در مورد دستورها و تلاش‌های آینده برای کمک به سازمان ملل متحد باشد.

## درباره نویسندگان

چاپ © ۲۰۲۱ بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان

وبسایت: [www.afghanistan.fes.de](http://www.afghanistan.fes.de)

اندریو واتکینز، محقق و تحلیلگر منازعات و چشم اندازهای صلح افغانستان و به شدت در جلوگیری از منازعات دخیل است. وی پیش از این در افغانستان برای سازمان ملل، نهاد های بشردوستانه، دولت ایالات متحده و به عنوان یک محقق مستقل کار کرده است.

داکتر تیمور شانان استاد الحاقی پالیسی عامه در دانشگاه امریکایی افغانستان است و پیش از این تحلیلگر ارشد گروه بحران بین المللی در افغانستان بوده است.

## درباره عکس روی جلد:

بدون اجازه کتبی بنیاد فریدریش ایبرت هر گونه استفاده تجارتي از نشریات منتشر شده بنیاد فریدریش ایبرت، مجاز نیست.

نظریات ارائه شده در این نشریه، لزوماً بازتاب دهنده نظریات بنیاد فریدریش ایبرت نمی باشد.

رئیس جمهور چین شی جین پینگ (سوم از راست) و رئیس اجرایی افغانستان عبدالله عبدالله (چهارم از چپ) در جلسه آنها در تالار بزرگ مردم در بجنیک چین شرکت می کند، ۱۷ می ۲۰۱۶.

تصویر: ریوتز / کیم کیونگ هون